



M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE13377



۱۹۱۵۵۵۱
۵۷۱
۱۳۳۷۷

CHECKED-2004

قصیده بدی مصنفات عربیه مشتمله بر تحفین ناقص در
حسب رتبه و زنه فاعلان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

بسم الله الرحمن الرحيم

از پس خداوند زمین آسمان
چو در بحر کرم و دام نظم شکت چون لای عساکر
از کی لفظ است معنی خواهی ای صاحب کمال
آتش رنج و کسب و خرم علی التبت خوا
رشد و آن پروردگار و در آن جمعی خلق
رَبِّ آس خالص از گوسه سبب و نار
ربوبیت جمعی ام

بسم الله الرحمن الرحيم
قصیده بدی مصنفات عربیه مشتمله بر تحفین ناقص در
حسب رتبه و زنه فاعلان فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
بسم الله الرحمن الرحيم
از پس خداوند زمین آسمان
چو در بحر کرم و دام نظم شکت چون لای عساکر
از کی لفظ است معنی خواهی ای صاحب کمال
آتش رنج و کسب و خرم علی التبت خوا
رشد و آن پروردگار و در آن جمعی خلق
رَبِّ آس خالص از گوسه سبب و نار
ربوبیت جمعی ام

Aligarh
SUBHANULLAH COLLECTION

نشر فی سال فاحشر آمد و رفت
توب و کرامت الکریم

در حدیثی که در این کتاب مذکور است که هر که در راه خدا...

خبر پیشین خوانده است و در مع از کارها با بعضی کسان

عقل صواب است و حجب خانه مردمان

صنوبری در شکم صفراست خالی از عدد و ریاضت

صفر و من نمرس باشد که آندش زکا

و این سلام اسم بخت شک الخ ابراهیم سلام

و ان سخنها را کلام و اسم است با کلام

و ان پهلوانان و پسران بزرگواران و پسران بزرگواران و پسران بزرگواران

سهم تمام را در این جای محنت و پیکار
سخت گزین و این سهم و پیکار به هم

شد سپاهم از راه منی حصه های و از راه

ما را شایسته است و هم جسم باشد بر دوازده بار

است علم اصناف و اعلام اکیه

[illegible]

و ان کلام اتر گیاہ و خوان کلام جمع کلام

هم گلا کرده است لیکن و او را کلا
هم قری پشت و قری میدان ضایع کرد

نست و در می میدان یکتا
کما قریه کیده باشد و پیش و سر ی گفتم علی

تیمک لقمه کب و آدمی اندرو پهلوس

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى بن جعفر عليه السلام

شکسته و قصه کردن آ

آنچه سرشته و تصدیق آنست و فراخی است و فراخی است و فراخی است

وحد جد است اندر کاو

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَرْزَةَ عَنْ أَبِي بَرْزَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ دَخَلَ بَيْتًا مِنْ بَيْتَاتِ الْمَدِينَةِ وَجَدَ فِيهَا خَلْفًا فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْ أَهْلِهَا

ما بعد حرف علت مدّه زود است ایتم

مده باشد روزگاری گوشت

عرف ابو موسی عرف صبر و عرف کمال و از حد

اینها و تنها که باشد و فراموش

۸۰
 چار کشتی و جمعی در لنت باشد چو ارست مجتهد
 چو کتب از کتاب بزرگ مشهور است چو از جمله مسایک
 که از قوی کتاب است که تا گوش است می
 مسک شکست از اویم و مسک شکست
 نیزه سخت صدق و صدق قول است
 صدق و ان کا بین ن بهر عوسی
 پاست و شست و فحش است ای سپه
 زار زیر و زور را بشنوز من آسان
 زار صورت شیر و زیر کس که بنشیند
 در فعل ظالم پیش و ان از ظالمان
 عاریب و غیر سار است و هم خوان است
 بر به عور وانی جمع اعور هم به

۴
بگشتند آنیکه خود را از این
ارکند و کاروان را
ن تو که او را مصلحت
می بود برین است و
این عوین برین
جمع اعدای من
کردنی التامو
۱۴

بختیاری خوانده انچه در روزان
نیت و ان مهر و محبت در میان و دما
فصل بیدار بود و قطع است یکسان شد
قطع شاد در وان خانه باشد ای فخر زما
بضع یکباره از لحم و بضع جزوی از عده و بی بضاعت
بضع بگر فتن بود و بصره زاندام زما
ضعف نقصان خرد هم ضعف و چونان
ضعف بستی در بدن ان ای ضعف ناگوا
امم بود قصد بود ام چه امامت و لغت
چشمهستان است و جنبه بت شیطان جیم
جنبه اسیر بود دفع تیر و تیر و ستم
جنبه دانه تخم و شتی جنبه و دوست
جنبه بیدار بود و بختیاری

بختیاری خوانده انچه در روزان
نیت و ان مهر و محبت در میان و دما
فصل بیدار بود و قطع است یکسان شد
قطع شاد در وان خانه باشد ای فخر زما
بضع یکباره از لحم و بضع جزوی از عده و بی بضاعت
بضع بگر فتن بود و بصره زاندام زما
ضعف نقصان خرد هم ضعف و چونان
ضعف بستی در بدن ان ای ضعف ناگوا
امم بود قصد بود ام چه امامت و لغت
چشمهستان است و جنبه بت شیطان جیم
جنبه اسیر بود دفع تیر و تیر و ستم
جنبه دانه تخم و شتی جنبه و دوست
جنبه بیدار بود و بختیاری

سید

و در قیاس هم جلایک بنویسی و
رقع جو ویت بود و رقع نیز قیاس

و در باشد بیت و آن و و باشد نام و
و در بیت و آن و و در شش و شش بی شبهه

عوض گزیدن باشد و هم عوض نام و
عوض ضد لطف باشد عطف جور جابر

و غرور و نیز رقع طیر باشد چو زهرا
و غرور و نیز رقع طیر باشد چو زهرا

و در یک سال و حجه برانست و
جله و آن اشرف از قوم و حله جمع آن و

و در طرف خرمای ای حریف و
و در حرمت جلال و جمع جل و آن جلال

و در ان جلال از قوم و از بد و
و در ان جلال از قوم و از بد و

نصف بود و مسدود ز غفلت خفت را مخفیست

نصف بود و موزه برای ماهیهای مردمان

در میان نخستین قعه قعه هیت است

نصف قعه اسپری را هواری کو بود ایم و

نصف شوق را ندن سیتی مجهول است از ضعیف با

نصف شوق بازار است و جمع ساق قلک و گمان

منته نامی از زمان منته منت بر کے

منته قوت دان باشد جمع این منته

منته ارض هم تو اوانت تو

جمع قوت چون قوی ای بهترین فاضلان

مجموع بنیان باشد و عقد از لالی رشته

مجموع محقق هست ای منات و منان

دان مگوی را جمع کردن کرد و باره بطور

مجموع مگوی جایگاه است بهر دروا

سوق و منته نامی از زمان منته منت بر کے
نصف شوق بازار است و جمع ساق قلک و گمان
منته قوت دان باشد جمع این منته
منته ارض هم تو اوانت تو
جمع قوت چون قوی ای بهترین فاضلان
مجموع بنیان باشد و عقد از لالی رشته
مجموع محقق هست ای منات و منان
دان مگوی را جمع کردن کرد و باره بطور
مجموع مگوی جایگاه است بهر دروا

منته قوت دان باشد جمع این منته
منته ارض هم تو اوانت تو
جمع قوت چون قوی ای بهترین فاضلان
مجموع بنیان باشد و عقد از لالی رشته
مجموع محقق هست ای منات و منان
دان مگوی را جمع کردن کرد و باره بطور
مجموع مگوی جایگاه است بهر دروا

آب بسیار است روی و آنگاه باشد و چنانچه
 منظر عالی روی نیز هر جمع ناظران
 بسط باشد گستران بسط باشد نافه
 بسط جمع است از بسط اری توانی گستر

عرض ضد طول باشد عرض باشد آبرو
 عرض پیرامون آن موضع که سازش
 خطب کاری بس عظیم و خطب کفن
 خطب گفتار خطیب است اندر من و گما

بیت باشد منزل جمعی و مشک باع
 برین نوعی از تپ است چاراهم ربع و آن

عبر باشد اشتر ماده که آن باشد جوان
 و جد حالت و جد مصدر نیز باشد از و چو

و جد باشد ضد و شواری که آسانست
 و جد باشد ضد و شواری که آسانست

خطب کاری بس عظیم و خطب کفن
 خطب گفتار خطیب است اندر من و گما
 بیت باشد منزل جمعی و مشک باع
 برین نوعی از تپ است چاراهم ربع و آن
 عبر باشد اشتر ماده که آن باشد جوان
 و جد حالت و جد مصدر نیز باشد از و چو
 و جد باشد ضد و شواری که آسانست
 و جد باشد ضد و شواری که آسانست

خطب

بہشت کی پیدائش از قبائل و سر

تشیبہ پندرہویں

میں وہ شعیب باشند شعیب شاخ ہوا

تصنیف جامعہ رنگ کر وں مخمس رنگ وضع شدہ ہے

اسے نبی الہیہ و گزشتہ ماہ و طریقت

[illegible]

قطر عود و نیز جانب و ان لى جانب

جمع ترس هم باشد خجوع یک پله خستم

جمع از الوان بود رنگی رنگ عطر

رسل یک جوشیدن است و رسل شیر خالص است

رسول یک چو بشین است و رسول سیر خاص
رسول شد جمع رسول از پادشاه بندگان

خزوه طوف جوی باشد عذوه جای متفع

عقد و باضم جای و در و عقد و عقد و عقد

میرزا است اول معنی شش و دوم

باسم خوان یعنی چهار وعده پارسا نام!

فی القلح از آن
 قلم حبیبی خط
 واحد را هر مس
 یازم از آن نو
 جابجا و باضم
 اظهار حبیب و
 نمود و در آن
 خوش سازد و با
 ریاضین خطی که از
 و اینگونه در ۱۳
 جنبه فنیست و
 سکون را در
 بن جمله حق ساق
 و با کسر و کش
 رود و پاک وسط
 وادی در یکسان و
 و مندر و گاه نوم
 و زمین بلند از آن

۱۲
قبل باشد پیش دیگر قبل را طاعت شد
بر این پایه که در این کتاب
قلع مصدر دان قلع آن هر بای از قلع
دانش از این پایه که در این کتاب
زیر بر سر هم بود و پنجم مسام جسم ششم هر که در پنجم
روح راحت پنج بوی روح همچون جان
جمع املاک است ملک و ملک ملوک از عتقار
ملک ملک شام با ترک است با بند و
قدر دان مقدار خیر و قدر دیگر از پنج
قدر جمع اقدار است یعنی که کوه گرونا
قرن سی سال است شلخ و قرن نزد خیر است
در این پایه که در این کتاب
عسل شستن عسل آن چیز که سر شوی با
عسل تن تر کردن است از کوزه یا آب

[illegible]

طریق آن آیکه باشد اندران جمع دوا
طریق پیشه راهها طریقت و طاری اینها
حرم بریدن بود حرم است جمعی از رجا
حرم بجران و جدای باشد ارتن مهر خا
فرق فصلت از دو چیزی فرق قومی یکی
فرق فصلت از بنای خانها و حاندا
شعر موی و شعر معروف است یعنی نظمها
ضربان مال و ان و ضرب و اسم کل
ضرب پاری که دار و شخص را او نالو
بعد ده روز آب عشر است و یکی کف کا
این چنین شعر بدی بای نظم کرد
تا بود در روزگار و این نام

۱۳۳۲۷

CALL No. { ۸۹۱۵۵۱ (۵) ACC. NO. ۱۳۳۰۷۷
 AUTHOR _____ بدلیس
 TITLE _____ نصاب مثلث اقصی

NOT TO BE ISSUED
 ب ۲۱ ن ۸۹۱۵۵۱ ۱۳۳۰۷۷
 نصاب مثلث

| Date | No. | Date | No. |
|------------------|-----|------|-----|
| NOT TO BE ISSUED | | | |
| PERSIAN SECTION | | | |



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-books and **10 Paise** per volume per day for general books kept over - due.

[Handwritten signatures]

